

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

۳۰ نومبر ۲۰۱۱



سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما - ادامه دهندگان)

"کنفرانس بُن" متمم بوروکراتیک تجاوز و پیامدهای آن

پس از هر حمله وحشیانه و اشغال کشوری، اشغالگر برای به دست آوردن هدفش در کشور اشغال شده دست به یک سلسله مسائل بوروکراتیک و اداری می زند تا اشغال را با ایجاد اداره مستعمراتی غرض تأمین حاکمیتش تکمیل کند.

کنفرانس بُن یکی از این مراحل اشغال و استعمار در کشور ما است که در آن امریکا و شرکای اروپائی اش کوشیدند با ایجاد اداره مستعمراتی و چپن و کلاه پوشیدن حاکم دست نشانده شان حامد کرزی در رأس این اداره، پلان های استعماری خویش را عملی کنند و چنین کردند. با یک نگاه به ترکیب گروههای شرکت کننده در کنفرانس بُن، نتایج و پیامدهای آن را قبل از تحقق هم می شد پیشبینی کرد.

در یک سند تاریخی ترکیب کنفرانس بُن را اینچنین می خوانیم:

"- جریان روم منسوب به سلطنت تحت ریاست ستار سیرت.

- هیأتی از به اصطلاح "حکومت ربانی" به ریاست یونس قانونی.

- جریان پشاور با ترکیب درهم برهمش از پاچاخان خدران تا تنظیم گیلانی و آقای انوارالحق احدی که بعداً رئیس دافغانستان بانک شد.

- جریان قبرس که به همین منظور به اشتراک چند آدم جاه طلب به ریاست همایون جریر یار وفادار و داماد گلبدین حکمتیار ساخته شده بود.

همه این گروهها به انتخاب "زلمی خلیل زاد" مشاور ارشد رئیس جمهور امریکا به بُن آورده شده بودند. یکی از گروههای روشنفکری کشور در ارتباط با نماینده ملل متحد خوشباورانه هیأتی از هواداران خارج کشوری اش را به محل کنفرانس فرستاد، ولی امریکائیا از آنها خواستند که پشت سریکی از چار گروه فوق بنشینند. ایشان هم نپذیرفته و جلسه را ترک کردند."

هریک از این گروهها و افراد دیگر دست اندر کار، تا آنجا که در خدمت تحقق و یا مؤید کنفرانس بُن و برنامه هایش بوده اند، به اندازه سهم شان، به مردم و کشورما که از پیامد این کنفرانس به خون نشسته اند حساب باید بدهند. چه برنامه های تدوین و تصویب شده در "کنفرانس بُن" در هر عرصه ای که پیاده شده به نفع تحکیم تجاوز و استعمار کشورما و عامل مصیبت و سیاه روزی به مردم ما شده است. بناءً، مجریان و مؤیدان کنفرانس بُن به عنوان متحد و یا مؤید اشغالگر و اشغال، هر یک به اندازه سهمش، بخشی از مقصران وقایع دردناک دهسال گذشته به حساب می آیند. اگر عده ای از مؤیدان کنفرانس بُن تا حد حضور در آن، اینک بعد از ده سال و در آستانه کنفرانس دوم بُن زیر فشار مبارزان انقلابی و وقایع اتفاقیه به خود آمده اند و حال به منظور بحث روی آن سیمینار دایر می کنند، این نیز امری است به خیر. اما به شرط آنکه با انگیزه و نیت پاک از حضور خود در کنفرانس اول بُن، در هر سطحی که بوده، انتقاد کنند و آنرا به اطلاع مردم برسانند، انگیزه ها و دلایل آن تأیید و اشتراک، و عوامل این نفی و اعتراض را صادقانه به مردم برشمارند.

در برنامه کنفرانس بُن به خدمت گرفتن تمام نیروهای جنایتکار و مزدور هر سه رژیم گذشته خلقی- پرچمی، جهادی، طالبی و جواسیس تربیت یافته غرب به عنوان تکنوکرات، با روشنفکر نماهای تسلیم طلب و توابان جنبش ملی- انقلابی، در اداره مستعمراتی کرزی به حیث مهره های اجرائی در کابینه، پارلمان، مقامات قضائی و غیره به عنوان یک هدف مطرح شده بود، که عملی گردید و همه شان به درجاتی در خدمت امپریالیسم متجاوز به کشور خود قرار گرفتند. این باندها و گروه های بریده از کشور و مردم به همدستی متجاوزان، و در رأس امریکا، مردم را فریب دادند، تا توانستند مال و ملک مردم را غارت کردند، بر همه هستی و نوامیس ملی ما دستبرد زدند و مردم ما را تا لب پرتگاه نیستی کشاندند.

در برنامه کنفرانس بُن طرحی به نام مرحله ساختاری ریخته شده بود که طی آن استعمارگران امپریالیستی برای اغوای مردم باید ادای دموکراسی درمی آوردند و در جامعه ای که بیست سال جنگ تمام بنیادها و نهادهای بدائی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اش را درهم ریخته بود؛ شعار پوچ، اغواگر و بی محتوای حزب سازی، مطبوعات آزاد، انتخابات، جامعه مدنی و حقوق بشر و ... را سردادند. کلیه نیروهای ارتجاعی که از بیخ و بنیاد فکری خود با این اصطلاحات مخالف بودند، به دستور اربابان خارجی شان حامی پر و پا قرص دموکراسی و تمدن و ... شدند و عده روشنفکر نمای اخته نیز آنها را یاری رساندند.

د افغانستانی که روشنفکرانم‌هایش حزب سازی را بدون تفکیک خوب و بد جنایت میخوانند، امریکا و متحدینش با "پروژه" حزب سازی شان (تدارک و ایجاد حزب طی یک پروسه ممکن می شود) بیش از صد حزب و نهاد را بدون مراعات الفبای اساسات حزبی سمارق وار، زیر نظارت اداره مستعمراتی و به تأمین "دونرها" یعنی نهادهای وابسته به اشغالگران، به وجود آوردند. همه نامها را آلوده کرده و واژه هائی چون نهضت ملی، رفاه ملی، نخبگان، جمهوریخواه، دموکرات، همبستگی، آزادگان، عدالت، آزادیخواه و... را بر تجمعات نامأنوس و بی ریختی گذاشتند که حتی اعضای آن به اصطلاح احزاب، به آن باور نداشتند، فقط باید دستور کنفرانس بُن را اجرامی کردند. آنها با مسخره ساختن حزب و حزب سازی مردم را به تشکل و سازماندهی که شرط اساسی مبارزه است بد بین ساختند.

به کارگردانی امریکا و همراهانش درامه های رسوای انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی را که برنده هایش در واشنگتن و اداره های مربوط امریکائی - اروپائی قبل از انتخابات مشخص می شد، به نمایش گذاشتند و بازیگران آن را از مزدوران راست افراطی تا تسلیم طلبان دموکرات نما برگزیدند که پلان های اغواگر کنفرانس بُن عملی شود. کلیه آنهایی که در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی کاندید دادند در زمره مجریان برنامه های "کنفرانس بُن" به حساب می آیند.

به نام "جامعه مدنی" و "حقوق بشر" چنان هنگامه ها برپا کردند که عروسکان تبلیغات چی افغان شان توانستند ذهنیت عامه مردم غرب را برای مدتی بفریبند که گویا در افغانستان حقوق بشر مراعات می شود، زنها به حق شان رسیده اند و جامعه مدنی نیز در آن پا گرفته است. به پاس این خدمت عده ای به اخذ مدالها و نشانها از نهادهای امپریالیستی "مفتخر" شدند. ولی در این اواخر عده ای از افراد وابسته به گروههای ضد جنگ در امریکا که همگی از صاحب نظران سیاسی، حقوقی و نظامی بودند، سفری به افغانستان داشتند. نتیجه تحقیقات این گروه مغایر تبلیغات رسمی امریکا است و این گروه می گوید آمار و تبلیغات اعلان شده پیشرفت ها در تمام عرصه ها دروغ های آشکاری بیش نیست. بر اساس آمار این هیأت در افغانستان ۴۲ فیصد مردم زیر خط فقر زندگی می کنند و تنها در سال ۲۰۱۰ م در نتیجه فشارهای زاده تجاوز و جنگ دو هزار و سیصد نفر خود کشی کرده است. در نتیجه همین فشارها مطابق این آمار ۵۶ فیصد مردم افغانستان به بیماری های روانی مبتلا شده اند. اینها گوشه ای از پیامد های تجاوز و ملحقیات اداری آن من جمله کنفرانس بُن هستند.

در برنامه کنفرانس بُن به شکل نانوخته ولی واضح و روشن از طریق انتصاب افراد در رأس و در ترکیب ادارات، دامن زدن به اختلافات قومی، زبانی، منطقه ای، مذهبی و ... در نظر گرفته شده بود که به شکل خیلی حاد آن عملی شد. جمعی از سازمانها و احزاب ارتجاعی و عده ای روشنفکرانما نیز، یا به نام مُسلم بودن حق حاکمیت فلان اکثریت و یا به بهانه مستحق بودن فلان اقلیت چنان جنون آمیز به این افتراق دامن زدند که طرح خائنانه تجزیه افغانستان را پیش کشیدند و به این ترتیب به بهترین ابزار دست و مزدوران اجرائی استعمارگران تفرقه افکن بدل شده اند. دستاورد چنین فتنه انگیزی ها هم به صندوق متجاوزان و به آخور جنگسالاران آدمخواری چون طالبان و رهبران و قومندانهای جهادی رنگارنگ به اصطلاح پشتون، تاجیک، ازبک، هزاره و... می افتد و با استفاده از این سلاح ویرانگر، ملت واحد ما را تکه و پاره کرده و از بسیج و مقاومت یک پارچه شان علیه متجاوزان که در طول تاریخ تبارز داده اند جلو می گیرند. و این نیز از پیامدهای شوم کنفرانس بُن است.

باز کردن بازارهای کشور بر روی کالاهای خارجی و سپردن حق ورود کالا و تعیین قیمت ها به سرمایه داران و نهادهای خارجی برای غارت بیشتر سرزمین ما و ساختن "ان جی او" ها هدف دیگر تجاوز و مرحله انسجام

اداری آن یعنی کنفرانس بُن بود که خیلی با جبر و اکراه بر مردم تحمیل شد. حال زیر نام "بازار آزاد" کالاهای بُنجل خارجی را به قیمت های گزاف به مردم اسپر ما می فروشند و داشته های گران قیمت ما را به نازلترین قیمتها تصاحب می نمایند. "ان جی او ها" شیرۀ جان مردم ما را می مکند و در عوض عدۀ کمپرادور- فئودال و ظنفر و در خدمت استعمار به جامعه عرضه میکنند. هستند روشنفکرانهای وطنفروش و یا مجنون صفتی که از چنین سیستمی بهره می برند و زیر نام "جهانی شدن" و "بازار آزاد" به نفع آن گلو پاره کرده و آنرا با حرافی های مزخرف روشنفکرانه درسایتها و نوشته ها و نشرات شان تئوریزه و تبلیغ می کنند.

دست یافتن به منابع زیر زمینی کشور ما و غارت این سرمایه ملی نیز تحت عنوان محیلانه و کاذب "باز سازی" از پلان های شوم کنفرانس بن است که با حدت و شدت عملی می شود. امپریالیسم جهانی به رهبری امریکا با سروی معادن کشور به پول گزاف قرضه های کمرشکن استعماری، به موادی در دل خاک ما روبه رو شد که دورادور جهان دنبال آن می گشتند. ما در افغانستان در کنار سایر منرالها و مواد ارزشمند، معدن سرشار از لیتیم داریم که در تخنیک امروزی ماده حیاتی است. هم اکنون این ماده معدنی مثل اورانیوم و نفت حیثیت یک ماده ستراتیژیک را یافته است که امپریالیست ها برای به دست آوردن آن از هیچ جنایتی دریغ نمی کنند. تسلط بر این منابع سرشار کشور ما نیز از طریق همان برنامه ریزی های کنفرانس بن به اشغالگران رسید.

یک نویسنده امریکائی به نام خانم "کرول" ضمن بیان احساس شرمندگی اش از دو جنگ بزرگی که کشورش طی ده سال راه انداخته است (افغانستان و عراق) می گوید: "یکی از اهداف حضور امریکا در افغانستان را استخراج معادن و مواد مخدر می سازد".

لویه جرگه نهاد سنتی است که به عنوان میراث مناسبات قبیله ئی ما قبل سرمایه داری در جامعه امروزی مانده است. آنچنان که بارها گفته ایم در جامعه ما معجون مرکبی از مناسبات تولیدی دوره های مختلف تکاملی و متناسب با آن نهادها و سنن ادوار مختلف را می توان دید که لویه جرگه یکی از مصادیق آن تحلیل ما است. لویه جرگه ها در زمانهای گذشته متناسب با هنجارهای اجتماعی زمان شان توانسته اند مشکلی را در سطح جامعه به شیوۀ خودشان حل کنند. ولی از ده ها سال بدینسو این نهاد نیز به عنوان وسیله تباری فئودالیسم رو به زوال و کمپرادوریسم وابسته به سرمایه اجنبی به کار گرفته شده است. در طی سه دهۀ اخیر که کشور ما در بند اشغال و استعمار اجانب رنگارنگ به سر برده، لویه جرگه ها وسیله زد و بند امپریالیسم اشغال گر با ارتجاع و فئودالیسم بومی قرار گرفته است. در دوران تجاوز شوروی نیز لویه جرگه به حیث وسیله چنین پیوندی به کار گرفته می شد. اینک در شرایط استعماری موجود تدویر لویه جرگه ها زیر نامهای "لویه جرگۀ اضطراری"، "لویه جرگۀ قانون اساسی"، "جرگۀ مشورتی صلح" و سرانجام "لویه جرگۀ عنعنوی" اخیر که با مصرف میلیاردها افغانی و تحمیل فشارها و راه بندانها بر مردم، پیمان فروش وطن ما را به امریکا تأیید کرد، همه و همه از زد و بند امپریالیسم و ارتجاع حکایت دارند و تمام فیصله های شان در تأمین منافع مشترک این دوهیولا و دو دشمن عمده مردم افغانستان صورت گرفته است. تدویر این چنین لویه جرگه ها نیز جزء نیرنگ ها و اجزای اشغالگر و همدستان بومی اش جهت فریب مردم بومی و مردمان کشور استعمارگراست که به حضور و عملکرد ضد قانونی و ضدانسانی اش رنگ قانونی و اداری می زند. آنچنان که همه دیدیم و شنیدیم اینبار نیز در لویه جرگه نمایندگان ارتجاع، که به هیچ صورت نماینده مردم افغانستان نیستند، موبه مو و کلمه به کلمه دستگیر و خواسته های امپریالیسم تجاوزگرا امریکا را برای تداوم سلطۀ جابرانه و استعمار گرانه اش بر کشور مظلوم ما، ردیف و باز گوئی کردند و یکبار دیگر بر تئوری بافان مراهق عمده سازی "تصادم امپریالیسم و ارتجاع" نیشخند زدند.

طراحان، گردانندگان و مجریان "کنفرانس بن" پس از اجرای برنامه های این کنفرانس جهت تحقق اهداف غارتگرانه شان متوجه شدند که این کنفرانس نیز نواقصی با خود داشته و نتوانسته آنها را طبق دلخواه به اهداف شان برساند. به قول آنها یکی از جمله نواقص "کنفرانس بن" اول این بوده که برخی از ستونهای که امپریالیسم اشغالگر برای تداوم سیطره اش در افغانستان آنها را در جای دیگری به کار گرفته است (برای ایجاد تشنج و وحشت) باید موقعیت دوگانه می داشتند، اکنون با تکامل اوضاع باید جا عوض کنند و مستقیماً از طریق اداره مستعمراتی ایفای وظیفه نمایند. جمعی از ثنا گویان امپریالیسم می گویند "یکی از اشتباهات جدی کنفرانس اول بن این بوده که طالبان و حزب گلبدین در آن شرکت داده نشده اند". لذا باید کنفرانس دومی در همان "بن" دایر شود و در آن طالبان و گلبدین نیز شرکت کنند تا از طریق آن سهمی از حاکمیت رسماً به آنها تفویض شود. این چاکران بی اراده استعمارگران متوجه نمی شوند که در آستانه کنفرانس اول بن طالبان و گلبدین ایفای نقش اپوزیسیون مسلح را بر عهده داشتند و باید بزن و بگریز می کردند و تحت پیگرد قرار می گرفتند و نامهای شان در لیست سیاه داخل و برای گرفتاری شان جایزه تعیین شده بود. در چنین وضعیت و چنین نقشی چگونه می شد آنها را در کنفرانس هم شرکت داد؟؟

به هر حال اینک در پرده دیگر که نقشها تغییر کرده است، "کنفرانس دوم بن" دایر می شود و مهره ها در یک تبنی، طبق منافع اشغالگران مسلط و ریزه خواران بومی (ارتجاع) جا به جا می شوند.

کار دیگر کنفرانس دوم بن تقسیم غنایم کشور اشغال شده ما، بین وحشیان استعمارگر و آدم کشانی است که از اقصا نقاط جهان به کشور ما تجاوز کرده و طی دهسال خون ملت ما را ریخته اند و حال به ازای آن حق الزحمه بیشتر می خواهند. با اینحال هر چه در قصر سفید امریکا و با همکاری حاکمان امپریالیستی اروپا فیصله شده باشد "کنفرانس دوم بن" آن را به عنوان فیصله اش بیرون خواهد داد و به مردم افغانستان از "کنفرانس دوم بن" دو چند همان مصایبی می رسد که از "کنفرانس اول بن" رسیده است.

راه نجات مردم افغانستان از جنگال هیولای مستبد استعمار و غفریت خونخوار ارتجاع هرگز از این کنفرانسها نمی گذرد و با درد و اندوه راه دراز و پر مشقتی است. نه امپریالیستهای اشغالگریه رضا و مسالمت و با سیمینار و کنفرانس از منابع سرشار اقتصادی و موقعیت مهم ستراتیژیک افغانستان چشم پوشیده و آنرا می کنند و نه هم نیروهای اهریمنی تا دندان مسلح ارتجاع از حاکمیت و منافع سرشار شان با گفت و گو و مصالحه کنار می روند. بناءً، فقط راه مقاومت و مبارزه دشوار و طولانی و اراده نیرومند مردم با سازماندهی و اندیشه پیشرو و رهبری سالم پیکار جو و خردمند انقلابی می تواند سرنوشت مشقتبار امروزی را دگرگون نموده و آینده را به سود مردم در جهت آزادی کامل و رفاه همه جانبه وطن و هموطنان مظلوم ما رقم بزند.

همه با هم به پیش در این راه پرافتخارا!

مرگ بر امپریالیسم خون آشام و غارتگر!

مرگ بر ارتجاع، این ریزه خوار امپریالیسم!

دست اشغالگران و مرتجعین از سرزمین ما کوتاه!

یا مرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما- ادامه دهندگان)

۲۹ عقرب ۱۳۹۰ ش مطابق ۲۰ نومبر ۲۰۱۱ م